



Religions and Awaiting the Redeemer

*Ebrahim Taghizadeh
Hamid Reza Verdi*

Assistant Professor, Department of Law,
Payame Noor University

ادیان و انتظار منجی

ابراهیم تقی زاده ابراهیم تقی زاده^۱
استادیار گروه حقوق دانشگاه پیام نور
حمیدرضا وردی

Abstract:

People have ever pursued a saviour and a firm conviction in a deliverer and a redeemer has always existed in different geographical areas and amongst different people and nations since the past ages. This conviction is not restricted to Islamic religions and sects or divine religions but we can notice it in all divine and non-divine religions in ancient India, China, Egypt, Iran, Greece and other countries. Although technology, industry and other manifestations of civilization have improved, the conviction in a saviour has always been escalated and increased especially during this era in which the super powers oppress the impotent nations the certitude over a deliverer and saviour has flourished. In this article we will attempt to confirm that faith in a saviour is entrenched in man's soul and is a trait in his temperament. We will prove that certainty in Mahdi has become widespread due to its entrenchment in people's nature and spirit.

Key terms: religions, awaiting, Jesus, Jehovah, Mahdi, Islam.

چکیده:

اعتقاد به یک معنی و نجات بخش از روزگاران قدیم و در مناطق جغرافیایی گوناگون در میان تمام اقوام و ملل مشاهده می‌گردد و مردم در ضمیر خود پیوسته بدنبال یک نجات بخش بوده‌اند. این اعتقاد منحصر به ادیان و فرق اسلامی و حتی ادیان الهی نبوده است بلکه در میان تمامی ادیان الهی و غیرالهی به وجود چنین نجات بخش و فریادری بر می‌خوریم مثل هند، چین، مصریستان، ایران و یونان و دیگران. گر چه دنیای فعلی ما پیشرفتهای زیادی از نظر صنعت و تکنولوژی و سایر مظاهر تمدن نموده است ولی اعتقاد به منجی پیوسته گسترده‌تر و فراگیرتر شده است بویژه در روزگار ما با تبعیض‌ها و ستمهای که ملل قدرتمند بر ملل ضعیف روا داشته‌اند جلوه اعتقاد به رهاننده و نجات بخش بیشتر شده است. ما در این مقاله در پی آن هستیم که مسئله اعتقاد به منجی را به عنوان یکی از ویژگیهای فطرت انسانی که ریشه در درون انسان دارد، به اثبات رسانیم و تأکید نماییم که اعتقاد به مهدی از آنجا که ریشه در فطرت انسانها دارد، عمومیت پیدا نموده است.

واژگان کلیدی: ادیان، انتظار، مسیح، یهود، مهدی، اسلام

¹. taghizaadeh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۴/۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۷/۳۰

ادیان و انتظار منجی

مقدمه

از روزگاران گذشته و بنا بر عقیده‌ای کهن جوامع بشری به یک نجات بخش و هدایت کننده باورداشته و در انتظار چنین شخصی بوده‌اند، ملت‌های مظلوم و اقوام ستم‌دیده بدلیل ناتوانی در مقابل سلطه ستمکاران و دفع مظالم، در ضمیر ناخودآگاه خویش همواره یک رهاننده و نجات دهنده را می‌جست‌اند تا اینکه روزی به پاخیزد و ظالمان بیدادگر را از صفحه گیتی محو سازد و دنیا را پر از عدل و دادگرداند، هر قوم و ملتی که بیشتر تحت فشار و ظلم قرار گرفته عقیده به نجات دهنده در وی قوی‌تر گشته، چنانکه بعضی از پادشاهان سلوکی برای فریب مردم و جلب توجه ایشان به محض آنکه بر تخت سلطنت تکیه می‌زدند عنوان سوتر *Soter* یعنی نجات دهنده بر خود می‌نهادند، در ادیان مسیحی، یهودی، زردشتی، هندی و بودایی نیز گروه بسیاری انتظار منجی و رهاننده‌ای را می‌کشند، به اعتقاد آنان اغلب این هادیان و رهانندگان که انتظار ایشان را دارند، ریشه در آرزوی طبیعی بشر مظلوم دارد که در واقع به امید قیام او دل دردمند خویش را آرامش می‌دهند.

«سیری کوتاه در افکار و عقاید جوامع مختلف بشری چون مصر باستان، هند، چین، ایران و یونان و نگاهی گذرا به افسانه‌های اقوام مختلف چون اسلاو، ژرمن، اسن‌ها، اسلت‌ها و دیگر اقوام روشن و مسلم می‌سازد که همه این افکار و عقاید از منبع شریف وحی سرچشمه گرفته است و لکن در برخی مناطق دور دست که شعاع حقیقت کمتر تابیده است در طول تاریخ از فروغ آن کاسته شده و فقط کلیاتی از نویدهای یک موعود بجای مانده است، صرف نظر از ایمان که پایه‌این ایده و عقیده را تشکیل می‌دهد هر فردی که به سرنوشت بشریت بیندیشد و خواهان تکامل و ترقی جهان انسانیت باشد و ببیند که چگونه با وجود این همه ترقیات فکری و علمی و پیشرفت روزافزون تکنیک و صنعت نه تنها اخلاق و

معنویت پیشرفت نمی‌کند بلکه با سرعت تکان دهنده و اندوه باری عقب گرد نموده، به سوی سقوط و نابودی می‌گراید و ترقیات ماشینی بر فساد و انحطاط معنوی آنها می‌افزاید و، با اندک تأملی طبق فطرت ذاتی خود متوجه درگاه احدیت خواهد شد و از برای رفع این جنایت‌ها و خیانت‌ها یاری خواهد طلبید، از این رهگذر، آرزوی یک مصلح‌بزرگ جهانی همواره در دل خداپرستان وجود داشته است و تمام پیامبران الهی و سفیران آسمانی نویدهایی درباره وی ابراز نموده‌اند.

امروزه یک حرکت نامیمون زیر لوای مسیحیت صهیونیستی تحت عنوان (اعتقاد به آرماگدون) شروع شده است که تمام رسانه‌ها و بسیاری از کمپانی‌های فیلم سازی بزرگ دنیا را به خود مشغول کرده است و سعی دارد این تفکر را القاء نماید که نبرد نهایی میان خیر و شر در محلی به نام آرماگدون یا تپه شریفان رخ خواهد داد که در جای خود به آن خواهیم پرداخت.

مبحث فعلی ما راجع به اعتقاد به نجات دهنده و مصلحی جهانی از دیدگاه ادیان مختلف می‌باشد. چه ادیان گذشته که امروز جز نامی از آنها نیست و چه ادیان دنیای کنونی که هر یک مدعی نجات بشریت از ظلم و بیداد می‌باشد.

موعود هندویان

از عصر اساطیر ودیک، ویشنو محبوب مردم هند بوده و در آن کتاب او را مظهر خدای آفتاب می‌نامند و همانگونه که قرص شمس در مسافت خود در افق اعلی زمین را از ظلمات بیرون می‌آورد مردم عصر ودا نیز اسطوره‌ای جعل کرده و گفته‌اند که وقتی سلطانی دیوصفت بنام بالی زمین را در تصرف خود در آورده بود، ویشنو بصورت انسانی کوتاه قامت در نزد او ظاهر گشت و با کمال خضوع از او خواست آنقدر از عرصه خاک را باو عطا فرماید که او بتواند در آن عرصه سه گام بردارد، آن اهریمن از هیکل خرد او خندان شد و استدعای او را قبول کرد، در حال ویشنو بصورت اصلی خود در آمد و در مظهر الوهیت



بعمل آمده تا بین هندوئیسم و بودیزم صلح و آمیزش برقرار سازند. (ناس، ۱۳۵۴، ص ۱۹۴)

در کتاب فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی ذیل کلمه ویشنو آمده است «ویشنو را دارای نیروی حفظ و حراست قائم بذات و متولی بر همه چیز می‌شناختند در این حالت او را به عنصر آب که پیش از خلقت این جهان در همه جا ساری و جاری بوده است منسوب داشته‌از این جهت او را «ناراین» یعنی متحرک در آبها خوانده‌اند، ویشنو همان بهرام، دارای ده تجلی مختلف است و در تجلی دهم که آخرین مرحله ظهور اوست و در این عصر که عصر تنازع حق و باطل است، نوع بشر سرانجام بطوری فاسد و ضایع می‌شود که دیگر ویشنو قادر به نجات او نیست پس نوع انسان را بطور کلی معدوم می‌سازد و دنیایی از نو بنا می‌کند ویشنو سرانجام بصورت «کالکی» در می‌آید و با شمشیری در دو دست عالمیان را نابود می‌سازد.

ویشنو از جمله الهه ثلاثه هندوان و خدای محافظ کل است وی منشأ خیرات و مبرات می‌باشد او را مظهر کامل مهر و محبت و لطف علوی می‌دانند وی از فراز آسمان مراقبت اعمال مخلوقات است و هر جا ملاحظه کند که شیئی عزیز در خطر یا نفسی در مهلکه است وی قوه و نیروی خود را بکار می‌برد تا او را یاری نماید از اینرو عامه خلائق در کشور هندوستان ویشنو را همتراز شیوا (۲) می‌ستایند و صورت او را با چهار دست و باز و می‌نگارند که در دو دست نشان و رمزسلطنت را گرفته یکی حلقه آهنی و دیگری گوزنی آهنین و در دو دست دیگر علائم قوه سحرانگیز و عصمت و طهارت را قبضه کرده که یکی صدف حلزونی و دیگری گل نیلوفر آبی است و بر فراز تارک او تاجی است پاهای او کبود ولی جامه او زرد و چشمان نیلوفری او موجب اعجاب و دلپستگی هندوان است چون آرام می‌گیرد بر روی چنبره ماری که عالم را فراگرفته بنام «شیتا» یا «انانتا» می‌خسبد و رمز او ماهی و پرنده گارورا، اسب عرابه اوست، همسر و

جلوه‌گر شد و در دو گام زمین و آسمان را پیمود، زمین را به آدمیان و آسمان را به خدایان بخشود ولی گام سوم را برنداشت زیرا دوزخ باقی‌مانده بود، پس او را برای همان اهریمن باقی گذاشت. (ناس، ۱۳۵۴، ص ۱۹۳)

این اسطوره کهنسال طبیعت فیاض و نجات دهنده ویشنو را در اذهان عام مرتسم و منقوش کرده و او را محبوب خلائق قرار داده است و می‌گویند از آن پس هر وقت ضرورت اقتضا کند به زمین هبوط می‌فرماید و آن هبوط را «اوتار» گویند، ویشنو مکرر هبوط کرده است یکبار بصورت پهلوان افسانه «راما» «به شکل داستان رامایانا» و بار دیگر بصورت «کریشنا» پهلوان خوش حالت و دون ژوان «مهابارتا» و نیز در صورت های گوناگون در زمین و پیکر آدمیان و جانوران جلوه‌گر گشته است و برای هر ظهور او حکایات افسانه‌های میتولوژیک فراوان بوجود آمده است.

برای ویشنو به موجب روایت‌های مکتوب ده هبوط یا تجلی «اوتار» ثبت کرده‌اند ولی اعتقادات عامیانه بر این عدد مقداری افزوده است، از آن ده ظهور تاکنون نه مرتبه ویشنو ظاهر شده و ظهور دهمین او هنوز در پرده غیبت مستور و موکول به آینده است.

ویشنو گاهی بصورت ماهی، گاه بصورت سنگ پشت، انسان، شیر، برهمن و آخرین مرتبه به شکل «گوتاما» یعنی همان بودای معروف بوداییان ظهور کرده است که شارع و بنای شریعت بودایی در جهان است و بالاخره بر آنند که دفعه دهم ویشنو بصورت «کالکی» در زمان آینده ظاهر خواهد گردید و مانند مسیح برای نجات عالم می‌آید و شمشیری از شعله آتش در دست دارد و بر پشت اسبی سفید سوار است و می‌آید تا حق را برقرار و باطل را محو سازد، و آن وقت مرحله چهارم دور زمان است و از آن پس دنیا به آخر خواهد رسید.

چنانکه مشاهده می‌شود نام بودا شارع و مؤسس بودیزم در فهرست ظهورات و تجلیات ویشنو ذکر شده و گویا این تدبیری بوده است که در یک موقع در هندوستان



کهنه نو شود و زنده گردد و صاحب ملک تازه پیدا شود از فرزندان دو پیشوای جهان یکی ناموس آخر الزمان (منظور از ناموس آخر الزمان حضرت محمد(ص) است) و دیگری صدیق اکبر یعنی وصی بزرگتر وی که پشن نام دارد (پشن نام هندی علی ابن ابی طالب است)، نام آن صاحب ملک تازه راهنما است، (راهنما نام حضرت مهدی «عج» است). بحق پادشاه شود و خلیفه رأم «خدا» باشد.

در کتاب «دادنک» که از کتب براهمه است آمده «بعد از آنکه مسلمانی بهم رسد در آخر الزمان و اسلام در میان مسلمانان از ظلم ظالمان و فسق عالمان... مملو شود... جانشین آخر محمد(ص) ظهور کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد و بگردد همه جا و بسیار کسان را بکشد و خلاق را هدایت کند و آن در حالتی باشد که ترکان امیر مسلمانان باشند و غیر حق و راستی از کسی قبول نکند. (بهشتی، ۱۳۴۴، ص ۲۲)

منجی بودائیان

بودائیان معتقدند آن حکیم بزرگ «بودا»^(۳) اولین بودا نبوده که در عالم ظاهر شده بلکه در قرون و اعصار ماضیه قبل از او شش یا بنا به بعضی روایات عدیده بیست و چهار بودا در جهان ظاهر شده است، بودا موجودی است الهی دارای عصمت محض و علم مطلق که بعد از طی تناسخات و ظهور در ابدان متعدد و در اعمار بیشمار آنچه سیر کمال را طی کرده است که سرانجام به درجه و مقام الوهیت رسیده و در اعلی علین یعنی آسمان جای گرفته است پس از آنجا بسوی ارض نزول کرده در رحم مادرش استقرار یافته و سپس مانند انسانی در جهان زائیده شده است، سرشت الهی و ماهیت خدائی او در سرتاسر زندگانی او در هنگام شهود و اشراق ظاهر و نمایان گردید پس تعالیم او تعالیم الهی است و رفتار و کردار او منطبق با اصل حقیقت و عصمت می باشد و هر کس بدان راه و

زوجه محبوب او خدای مادینه است که رب النوع سعادت و زیبایی می باشد و «لگشمی» نام دارد. (ناس، ۱۳۵۴، ص ۱۹۲)

در کتاب اوپانیشاد اینطور آمده که «این مظهر ویشنو» «مظهر دهم» در انقضای کلی یا عصر آهن سوار بر اسب سفیدی در حالیکه شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد ظاهر می شود و شریان را تماماً هلاک می سازد و خلقت را از نو تجدید و پاکی را رجعت خواهد داد.. (رضازاده، ۱۳۴۵)

فرازهایی از کتب هندوان

«در کتاب شکمونی که از اعظم کفره هند است آمده: «پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلاق دو جهان «کشن»^(۱) بزرگوار تمام شود وی کسی باشد که بر کوه های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند... و دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده گردد و نام او «ایستاده» باشد و خدانشناس باشد.»

در کتاب «دید» که نزد هندویان از کتب آسمانی ست آمده «پس از خرابی دنیا پادشاهی در آخر الزمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد و نام او منصور باشد (در برخی روایات منصور نام حضرت مهدی می باشد) و تمام عالم را بگیرد و بدین خود آورد و همه کس را از مؤمن و کافر بشناسد و هر چه از خدا خواهد برآید. (بهشتی، ۱۳۴۴، ص ۱۹)

در کتاب «باسک» که از کتب آسمانی هندیان است آمده «دور دنیا تمام شود به پادشاهی عادل در آخر الزمان که پیشوای ملانکه و پریان و آدمیان باشد و حق و راستی با او باشد و آنچه در دریاها و زمین ها و کوه ها پنهان باشد همه را بدست آورد و از آسمانها و زمین آنچه باشد خبر دهد و از او بزرگتر کسی دنیا نیاید.

در کتاب پاتیکال از اعظم هندوان که بزعم آنان صاحب کتاب آسمانی است، راجع به دولت باسعادت مهدی اینگونه نقل شده است: «که چون روز تمام شود دنیای



درست زندگانی راهنمایی کرده‌اند و پس از اینکه تکلیف خود را در این باب انجام داده‌اند بمقام نیروانا^(۱) و اصل شده‌اند آنها معلمین انسان بوده‌اند و به فنای صرف رسیده‌اند و اکنون دیگر دعاها و مناجات های آدمیان به آنها نمی‌رسد.

اما بودهی سواتا وجود حیاتی فعلی ندارد بلکه در مورد بوداهای تاریخی در ازمنه سالفه تحقق پیدا کرده‌اند و مانند گوتاما، در مذهب ماهایانا، برای این موجودات علوی اهمیت و حقیقت مذهبی زیادی قایل شده‌اند ولی در کتب و نوشته‌های هینایانا، دو بودا از این قبیل ذکر می‌کنند که یکی عبارتست از گوتاما قبل از وصول به مرتبه اشراق و شهود و دیگری بودای آینده یا میتریا که اکنون بودائیت او در حال کمون است. در نوشته‌ها و کتب مذهبی ماهایانا عنوان بودهی ساتوا برای موجودات روحانی بیشماری ذکر شده و آنها را دارای حالتی می‌دانند که نمازها و مناجاتها را می‌شنوند و دعاها را اجابت می‌کنند و در موقع نیاز بیاری بیچارگان و دستگیری از پا افتادگان می‌شتابند.

بودائیان چین و ژاپن «بوداساتواها» را موجوداتی می‌دانند که قبل از وصول به مرتبه بودائی در اعمار گوناگون و زندگیهای پیاپی بدرجه رفیعه ترقی کرده و مقامات عالیه روحانی حاصل کرده‌اند و همچنان آنانرا زنده و جاوید می‌دانند... این بودا ساتواها بر فراز آسمان و بر سریرتعالی و استغنا قرار گرفته‌اند و همواره بعالم سفلی که دنیای فقر و احتیاج است نظر می‌کنند و گاه بگاه برای تصفیة و تزکیه روح خود بزمین فرود می‌آیند و مانند ملائکه و ارواح طیبه اعمال ناشی از رحم و لطف را انجام می‌دهند. (ناس، ۱۳۵۴، ص ۱۵۵)

میتریا که بودای آینده است و او را به زبان چینی «می لوفو» می‌نامند یکی از آن بوداساتواها می‌باشد، میتریا را نخست در هندوستان به بزرگی شناختند و ستایش کردند و سپس عقیده به او در دیگر ممالک پیرو ماهایانا سرایت کرد و از

روش برود از بدبختی و شقاوت خلاصی یافته در صلح و سلام محض خواهد آرمید. (ناس، ۱۳۵۴، ص ۱۴۵)

اما بودایی که در آتیه خواهد آمد و هم اکنون در حال کمون است و در اصطلاح خود آن را بودی ساتوا «Bodisattva» گویند یعنی «بودای در حال تکوین» البته این بودا روزی صورت کمال حاصل خواهد کرد و منتظر است که دور زمان، بروز و ظهور او را در روی زمین اقتضا کند، در آن موقع سعد و زمان مبارک مرتبه شهود و اشراق حاصل خواهد کرد او نیز در عصر خویش خلائق را مانند گوتاما، سلف خود به سر منزل سعادت رهبری خواهد فرمود، وی در آزمان «میتریا» نامیده خواهد شد.

از اختصاصات مذهب ماهایانیزم «فرقه‌ای از بودائیان» همانا تأثیر غیرمستقیم مبادی برهمنیزم هندوستان در دین بودا می‌باشد زیرا ایشان نیز چون برهمنان بر آن رفته‌اند که در زیر حجاب هر مظهری از مظاهر وجود حقیقتی مستور و مکنون است که همواره در طی اوضاع و احوال پیاپی خود را نشان می‌دهد و این همان مبدأ اوتار «تعدد وجودی» خدای ویشنو است که در دین بودائی نفوذ کرده از اینرو پیروان فرقه ماهایانا و تایک درجه محدودی حتی هینایانا هم معتقد شدند که گوتاما تنها بودائی نبوده که در زمین ظهور کرده بلکه قبل از او بوداهای متعدد به جهان آمده‌اند و بوداهای دیگر نیز در آسمان هستند که در آتیه بروزگاران نمودار خواهند شد و بعضی دیگر در حال کمون و تکوینند یعنی «بودا ساتوا» می‌باشند که عنقریب ظاهر می‌شوند. (ناس، ۱۳۵۴، ص ۱۴۸)

بنا بر عقیده بودائیان، عوامل نجات یا قوای علوی که مؤثر در رستگاری انسانند سه نوعند:

(میهن پو، ۱۳۴۵)

۱- منوشی بودا ۲- بودهی ساتوا ۳- دیهانی بودا
منوشی بودا نجات دهنده همگانی است که مانند گوتاما در زمان ماضی در روی کره خاک ظاهر شده و ابتدا صورت و جنبه بشریت داشته سپس به مرتبه اشراق و شهود رسیده‌اند و ابناء نوع رابه راه حقیقی حیات و طریق



در دریاچه‌ای در کشور ایران نهفته و ذخیره گشته است و در هر هزاره سه دوشیزه پاک گوهرعلوی در آن دریاچه غوطه می‌زنند و آن تخمه الهی را بر روی جهان می‌آورند. چون سوشیانت یا «مسیح موعود» ظهور کند آخر الزمان آغاز می‌شود و آن روز نشور است و مردگان برمی‌خیزند و زمین و آسمان از باشندگان خود تهی می‌گردد پس انجمنی عظیم برای داوری و حساب کردار بندگان فراهم می‌آید و درباره هر یک از ارواح گذشته فرمان یزدانی صادر خواهد شد، در آنروز فرقه نیکان از زمره بدان جدا می‌شوند و سیلی از فلز مذاب بر فراز زمین فروربارد و آن سیل دمان و خروشان بسوی دوزخ روان می‌گردد و سراسر زمین را که در بستر اوقرار دارد طعمه آتش سوزان خود می‌سازد بدیها و پلیدیها را نابود می‌کند و آدمیزادگان در این سیلاب آتش غوطه ور می‌گردند لکن برای نیکوکاران و راستان گوارتر از شیر گرم خواهد بود، زیرا در نهاد ایشان اثری از پلیدی و زشتی باقی نیست لکن بدکرداران و دروغگویان طعمه آن سیل آتشین می‌شوند و آنچه از عنصر بدی دروغ در نهاد ایشان مضمحل است می‌سوزاند و اگر در آن عنصر خیری باشد باقی می‌ماند، پیکار آخرین که بین آهورمزدا و سپاهش با اهریمن و لشکریانش درمی‌گیرد اهریمن و اتباع او هزیمت نهائی یافته به آتش فرو می‌افتند و برای جاویدان نابود می‌گردند، پس از آن کسانی که از این آزمایش و ابتلا به سلامت و درستی بیرون آیند. در زمین و آسمان نوین مردان همه بسن چهل و کودکان به سن پانزده و با دوستان و خویشاوندان در کمال خوشی و خرمی زندگانی جاوید خواهند کرد و این جهان ابدی و سرمدی ابدالاباد بجای خواهد ماند. (ناس، ۱۳۵۴، ص ۳۱۹)

در کتاب خلاصه‌الادیان چگونگی ظهور موعود زردشتیان اینگونه بیان شده که «سه هزار سال پس از ظهور نخستین انسان، زردشت برای هدایت مردم قیام کرد، در هنگام ظهور او بیش از سه هزار سال از عمر دنیا باقی نمانده بود در پایان هر هزارسال از نطفه زردشت که در

او همه جا تمثالها و پیکرها ساخته و پرداخته و او رادر نهایت مجد و بزرگی نشان داده‌اند.

اما سومین دسته ارواح علوی یعنی دیهانی بودا با آن دو گروه سابق الذکر از آن جهت اختلاف دارند که بمرتبه کمال و نورانیت رسیده و بوده‌اند، ولی وصول انسان به این مقام علوی بوسیله ظهور او در کالبد انسانی نمی‌باشد، بلکه آنها موجوداتی متعال و مقدس و آسمانی اند که در اعلی‌علین جای دارند و در فواصل ازمنه یعنی در اوقاتی که هنوز به مقام فنا «نیروانا» واصل نگشته‌اند مراقب حوائج بشری می‌باشند.

مذهب ماهایانا مراتب و مدارج عدیده در پیش راه سالک قرار داده که باید آنها را طی نماید تا به نقطه مقصود یعنی مقام بوداساتوا برسد و برای گذشتن از این مراحل یک رشته کتب و نوشته‌ها تدوین شده که همه تکلیف عمل سالک رهنورد را معین می‌کند. (ناس، ۱۳۵۴، ص ۱۵۸)

زردشتیان و موعودشان

«سوشیانت یا نجات دهنده بزرگ دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه‌کن کند، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار گرداند. (کامل سلیمان، ۱۴۰۵، ص ۱۳)

برای تعیین موقع آنروز واپسین متأخرین آن طایفه معتقدند به «دور زمان» و برای هر دور مدت سه هزار سال در نظر گرفته‌اند و گفته‌اند که «یشت زردشت» در آغاز دوره آخرین ظهور فرمود بعد از او سه تن نجات دهنده دیگر پیاپی به فواصل یکهزار سال خواهند آمد نخستین ایشان کسی است بنام «اوشتار» که درست یک هزار سال بعد از زردشت پدیدار گشت، دومین که اوشتارماه نام داشت دوهزار سال بعد از زردشت پدیدار گشت و سرانجام آخرین ایشان که سوشیانت نام دارد در رأس آلف سوم «هزاره سوم» که آخرالزمان است در میرسد و روزگار با او پایان می‌پذیرد و این هر سه از نسل و نژاد زردشتند زیرا که تخمه و بذر خود او به اعجاز یزدانی



نور که استخراج آن از ماده ممکن باشد بیرون کشیده می‌شوند و اجزای نور که هنوز قابل نجات هستند به شکل یک تندیس به آسمان بالا می‌روند و دیوان و گناهکاران جدا جدا در یک کومه یا گلوله گرد آمده در ته یک خندق ژرف مدفون می‌شوند سپس سدی محکم میان عام نور و ظلمت کشیده می‌شود و عالم نور تا ابد در آرامش و صلح خواهد ماند. (مشکور، ۱۳۴۱، ص ۲۴۳)

مانی که به عنوان پیامبر معروف ایرانی از او یاد می‌گردد. (ویدن گرن، ۱۳۵۳) و در سال ۲۱۵ میلادی به جهان آمده در مارس ۲۵۷ کشته شد. با آنکه از مردم مغرب ایران و از عراق امروز بود ضمن آنکه خود راسوشیانت (۱) موعود دین زردشت و فارقلیط موعود دین عیسی می‌دانسته خود را موعود بودائیان هم معرفی کرده است. (نفیسی، ۱۳۶۸ ص ۳۲)

یهودیان در انتظار مسیح

یهودی از همه فرقه‌هایش در انتظار مسیح موعود است که عدالت واقعی را در آخر الزمان در سراسر جهان برقرار نماید. (آشتیانی، ۱۳۶۸)

از روزیکه رومیان قدیم بخاک یهود پا نهادند تا زمانیکه شهر اورشلیم را در سال ۷۰ میلادی ویران ساختند انتظار مسیحا روز بروز نزد آن قوم افزایش می‌یافت و آن ملت مغلوب و شکسته به امید پیدایش نجات دهنده‌ای از غیب انواع شدائد و مظالم قوم غالب را تحمل می‌کردند و اعتقاد جازم داشتند که خداوند قوم برگزیده خود را چنین خوار و زار نخواهد گذاشت در این زمان این افکار معنوی موجب بروز یک سلسله مکاشفات گردید که بعضی از آن مانند صحیفه دانیال نبی مشتمل است بر یاد ایام ماضی و تاریخ باستانی و از دوره اسارت بابلی سخن می‌گوید و باکنایات و اشارات و با استعمال اصطلاحات و الفاظ مرمر از حیوانات بالدار و اشباح و صور عجیب مکاشفات خود را بیان می‌کند و بشارت می‌دهند که آن دنیای پر از آفت و شرور عنقریب پایان خواهد رسید و مردمان عادل

دریاچه «چیست» پنهان است از شکم سه دختر «در هر هزاره یکی» به ترتیب سه موعود آخرالزمان به نام‌های هوشیدر، هوشیدرماه و سوشیانت بطور خارق العاده‌ای ظهور خواهند کرد. در هنگام زادن آخرین منجی یا فرجامین موعود که سوشیانت باشد جنگ نهایی و قطعی بین خیر و شر درمی‌گیرد و همه مردگان برمی‌خیزند و قیامت بر پا می‌شود و ستاره‌ای دنباله دار به نام «گوچهر» بر زمین می‌افتد و شعله ور می‌شود و هم معادن و فلزات گداخته می‌گردد و چون سیل روان می‌شوند...

بعضی از خاورشناسان مهدی شیعه امامیه را با سوشیانت، آخرین سه موعود زردشتی مقایسه کرده‌اند، باید دانست که هوشیدر و هوشیدرماه و سوشیانت که به عقیده زردشتیان در هزاره آخرالزمان ظهور می‌کند قابل مقایسه با مهدی شیعه اثنی عشری نیست بلکه می‌توان آن را با سه امام مستور اسماعیلیه که پیش از ظهور قائم ایشان قیام خواهند کرد مقایسه نمود و نیز اینکه نوشته‌اند که ظهور قائم عکس العمل اعتقاد ایرانی به قیام بر ضد فکر سامی است، صحیح نیست (مشکور، ۱۳۴۱، ص ۹۹) و چنانکه در مقدمه این بحث گفتیم انتظار ظهور منجی و مهدی در همه اقوام و ادیان وجود داشته و تنها اختصاص به ایرانیان ندارد.

موعود مانویان

چون ذرات نور در پیکر پلید آدمی زندانی است برای رهایی آنها نجات دهنده‌ای بنام دوست مبعوث می‌شود که گاهی او را عیسائی نورانی یا خردیشهر «عقل عالم» نامند، وی مأمور است که که مورد را از خواب غفلت بیدار کند... دوست یا عیسائی نورانی گنوس یا معرفت را بر آدم آشکار می‌کند و پرده از پیش چشم او بر می‌دارد تا بر همه اشیاء عالم معرفت پیدا می‌کند و نجات می‌یابد، در روز رستاخیز عیسی نورانی چون داوری دادگر ظهور می‌کند دو فرشته که یکی حامل زمین و دیگری حمل آسمان است بار خود را می‌افکنند و تشویش و هرج و مرجی در اجزاء عالم حادث می‌گردد که ۱۶۶۸ سال دوام می‌یابد، تمام ذرات



آدم دارد به «پسر انسان» و القاب دیگر مانند مسیح یا فرزند منتخب داود ملقب است. (نفیسی، ۱۳۴۳)

و او را همه خلایق قاضی عادل و سلطان صلح می‌دانند، پس مردگان و اموات از گور برخاسته با زندگان و احیاء گروه متقیان و ابرار گرداگرد مسیحا صف واحدی تشکیل می‌دهند این نویسندگان و مبشران مسیحا در آغاز ظهور مسیحا را خاص قوم یهود می‌دانسته‌اند لکن بعداً به پیروی از افکار زردشتیان معاصر بشارت ظهور او را عام دانسته و دایره ظهور و فرمانروایی او را شامل حال سراسر امم و اقوام انسانی قرار دادند و گفتند تمام صاحبان ارواح از خیر و شر در محضر عدل الهی به محاکمه دعوت خواهند شد و در برابر مسیحا خوبان و رستگاران از بدان و گناهکاران جدا می‌گردند اشرار در آتش دوزخ قهر فرو می‌روند و صالحان و ابرار به بهشت جاویدان در جوار برکات خداوندگار قرار خواهند گرفت. (ناس، ۱۳۵۴، ۳۶۵)

این انتظار عظیم در ابتدا بصورت احیای مجدد سیاسی سلطنت واژگون شده بنی اسرائیل بود بعدها که وجود یک منجی احیاگر مورد تأکید قرار گرفت شواهد قلیلی وجود دارند که در داخل ستون دین یهود ایده یک آینده پرشکوه مادی در قالب امید به یک نظم اجتماعی ایده ال و جهانی صورت معنوی بخود گرفته است اما تأکید و برجسته نمودن این ایده بزرگ در دین دیگری که همانا مسیحیت باشد به منصفه ظهور رسیده است. در طول تاریخ دین یهود از زمان آغاز مسیحیت حداقل سی و چهار نفر از یهودیان بوده‌اند که بعنوان مسیح موعود سربرافراشته‌اند که آخرین این افراد که غالباً هم انگیزه‌های سیاسی داشته‌اند موسی حیییم لوزاتو «متوفای ۱۷۴۷ میلادی» می‌باشد، حضرت عیسی مسیح (ع) که بیش از هر کس دیگری از یک پدر و مادر یهودی متولد گردیده است هم خود اظهار ادعا نمود و هم دیگران اعتراف و تصدیق کرده‌اند که بهترین مصداق و نمونه تفصیلات روحانی تفکر مسیحاگری در دین یهود است. (هیوم، ۱۳۶۹، ۲۵۷)

و صالح از قبور برخاسته و دنیایی نوین بوجود خواهند آورد. (ناس، ۱۳۵۴، ص ۲۶۵)

اشعیای تبی اعلام می‌داشت که برای این دسته باقیمانده از مردم «افراد نائم و تائب» رهبر و منجی ای خواهد آمد که آنها را به اجرای منویات الهی با توفیق افزون قادر خواهد نمود. از آن قرن به بعد پرستندگان با اخلاص «یهوه» هرگز امید به آمدن یک رهبر منصوب الهی را از دست ندادند، بعضی از مواقع به یک رهبر منتظر به عنوان یک پادشاه موعود اشاره می‌شود، بعضی مواقع دیگر بعنوان یک چوپان خوب و مواقعی دیگر نیز بعنوان یک بنده مخلص. (هیوم، ۱۳۶۹، ص ۲۵۶)

کتاب خلاصه‌الادیان در تاریخ دینهای بزرگ می‌نویسد که «یهودیان تا پیش از نجات از بابل اعتقاد به روز رستاخیز نداشتند و از آن جهان تصویری مبهم در خاطر می‌پروراندند ولی بر اثر تماس با ایرانیان معتقد به روز رستاخیز و بعثت بعد از موت شدند دیگر اعتقاد یهود به بهشت و دوزخ است که بر اثر تأثیر عقاید زردشتیان ایرانی در آن دین پیدا شده است از آن جمله اعتقاد به ظهور مسیح منجی یهود که به تقلید از ایرانیان و اعتقاد به سوشیانت موعود آخرالزمان پیدا شده است (مشکور، ۱۳۴۱، ص ۱۳۴)

دورنمایی از این جهان نوین و ظهور مسیحا چنانکه در آثار دانیال و دیگر نویسندگان هم سلیقه‌او مسطور است عبارتست از بیان این معنی که در آخر الزمان حقتعالی جهان را دیگرگون خواهد فرمود و صلحا و ابرار از ظلم و اشرار جدا خواهند شد و این روزگار پر از ظلم و جور پایان خواهد رسید و دوره مصائب و آلام مانند جنگ و ناایمنی و پریشانی و بیم و گرسنگی و بیماری و حکمرانی سلاطین ظالم و ستمکار که از همه بدتر است سپری خواهد شد و در لمحہ آخرین یک‌کرنای آسمانی بصدای می‌آید و مسیحا سوار برابرها با خیل ملائکه در افق نمودار می‌شود آن موجود علوی که شباهت صوری با بنی



حیوانات صحرا و همه مردمانی که بر روی جهانند به حضور من خواهند لرزید و جمیع حصارهای زمین منهدم خواهد شد» (حزقیال نبی، باب سی و هشتم)

همچنین در کتاب زکریای نبی می‌خوانیم «در تمامی زمین دو حصه خواهند مرد و حصه سوم باقی می‌ماند و من ایشان را اجابت خواهم نمود که ایشان قوم من هستند و ایشان خواهند گفت یهوه خدای ما می‌باشد.»*

بر همین اساس مسیحیت صهیو نیست معتقد است، این مهمترین تهدید بالقوه برای صلح و امنیت امریکاست و باید زمینه را برای مقابله با این مهاجمین آماده کرد. از اینرو اعتقاد به آرماگدون را برای تحریک افکار عمومی ترویج می‌دهند و معتقدند سپتامبر ۱۹۱۲ زمان این نبرد جهانی خواهد بود.

پیروان مسیح در احادیث و روایات اسلامی

بنابراین روایات تا زمان ظهور حضرت مهدی گروهی از یهودیان در کرانه‌های غربی فلسطین باقی می‌مانند اگر چه دولت اشغالگر اسرائیل سقوط کند و آنها در منطقه عکا اقامت خواهند داشت که غار اصحاب کهف نیز آنجاست. ظاهر روایات بیانگر اینست که کشتار یهود در روز سوم ورود ولی عصر (عج) به سرزمین بیت المقدس خواهد بود که آن روز برای دشمنان خدا روز بسیار سخت و دشواری است که آنروز گواهان بر می‌خیزند و نصرت خدا بر سپاه اسلام فرود می‌آید. (کامل سلیمان، ۱۴۰۵، ص ۵۲۲)

همچنین روایت شده که در میان یهود با تورات خودشان داوری می‌کند و در میان مسیحیان با انجیل آنها حکم می‌کند پس اسلام می‌آورد این حکم کردن برای اتمام حجت و بعنوان ایجاد زمینه برای هدایت آنهاست و گرنه با داشتن قرآن کریم هیچ نیازی ندارد که به کتابهای نسخ شده آنها استشهاد کند. (کامل سلیمان، ۱۴۰۵، ص ۵۲۲)

در تورات آمده است که «... و نهالی از تنه «یسی» (۱) بیرون آمده شاخه‌ای از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خدا بر او قرار خواهد گرفت... مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین به راستی حکم خواهد کرد... گرگ با بره سکونت خواهد کرد و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر با هم و طفل کوچک آنها را خواهد راند... در تمامی کوه مقدس من ضرر و فساد نخواهند کرد زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد شد.» (تورات، فصل ۱۱)

آرماگدون

آرماگدون به معنی (تپه شریفان) میدان نبرد حق و باطل در آخرالزمان خواهد بود. از این واژه در قرآن کریم یا متون پیشوایان ما سخنی به میان نیامده است. این در واقع بخشی از اعتقادات بنیاد گرایان انجیلی امریکاست که یک پنجم آمریکائیا را تشکیل می‌دهد و بطور مستقیم زیر پرچم مسیحیت صهیونیستی تقویت می‌شود.

بر اساس این عقیده برای بازگشت دوباره مسیح (ع) به زمین، باید جنگ هسته‌ای بزرگی در محلی به نام آرماگدون، میان اردن و فلسطین، به وقوع پیوندد. این نبرد به نابودی اکثر شهرهای جهان می‌انجامد. آنها معتقدند نیروهای شر (منظور اعراب و مسلمانان) علیه اسرائیل متحد می‌شوند و ارتشی چهارصد میلیونی گرد می‌آورند که دشمن مسیحند و با او نبرد خواهند کرد. بر اساس این اعتقاد قدس جایگاه نهایی نبرد میان خیر و شر خواهد بود. (النجیری، ۱۳۸۵)

مبنای فکری این عقیده را می‌توان در کتاب مکاشفات یوحنا باب ۱۶ پیدا کرد آنجا که می‌گوید: «رودخانه فرات خشک خواهد شد و به پادشاهان مشرق زمین اجازه داده خواهد شد که سرزمین اسرائیل را در نوردند این ارتش پرجمعیت ترین ناحیه جهان را پیش از رسیدن به رودخانه فرات ویران خواهد کرد.» (مکاشفه یوحنا، باب ۱۶)

در کتاب حزقیال نبی آمده که: «آنروز تزلزل عظیمی در زمین اسرائیل خواهد شد و ماهیان دریا و مرغان هوا و



فرازهایی از کتب مقدس یهودیان

«از دریا به دریا و از نهر تا نهر به اقصای زمین سلطنت خواهد کرد... تمام ملوک به او کرنش خواهند نمود و تمام امم او را بندگی می‌کنند» (پادانا، ۱۳۴۹، ص ۱۳۵)

«در آنوقت سرور بزرگ میکائیلی که از جانب پسران قومت قائم است خواهد ایستاد و آن روزقوم تو نجات خواهند یافت... اما تو ای دانیال کلمات را مخفی کن و کتاب را تا زمان انجام کار مختوم ساز «کتاب دانیال» (پادانا، ۱۳۴۹، ص ۱۳۵)

«بخداوند پناه ببراهش را نگاه دار که ترا به وراثت زمین بلند خواهد کرد و در وقت منقطع شدن شریران این را خواهی دید، اما عاصیان با هم مستأصل و عاقبت شریران منقطع خواهد شد. (زبور، مزمور سی و هفتم آیه‌های ۳۴ و ۳۸)

کعب الاحبار می‌گوید: «من مهدی را در اسفار «کتابهای» همه پیامبران می‌یابم که در داوری اوستم و تباهی و جود ندارد»، «مهدی در تورات و انجیل ذکر شده و همه ملتها اجماع و اتفاق نظر دارند براینکه، نجات بخشی ظهور خواهد کرد و انسان‌ها را از ظلم و استبداد نجات خواهد داد کسی که در ظهور چنین منجی و مصلحی تردید کند کافر است، او با اسم و صفت در همه کتب پیامبران نوشته شده است، هر چه در مورد تردید باشد، این تردیدناپذیر است که فرزند پیامبراکرم (ص) و وارث علوم امامان معصوم یکی بعد از دیگری است» (کامل سلیمان، ۱۴۰۵، ص ۱۰۲)

مسیحیان هم منتظرند

«کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را فروخته بدارید و شما مانند کسانی باشید که انتظارآقای خود را می‌کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند تا هر وقت آید و در را بکوبد بی درنگ برای او باز کنند، خوشا بحال آن غلامان که آقای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد... پس شما نیز مستعد باشید زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسر انسان می‌آید.» (انجیل لوقا، فصل ۱۲)

رک، کتاب المقدس (زکریای نبی، باب سیزدهم) قدیمی‌ترین روایتی که در باب ظهور عیسی بعد از قیام او بما رسیده است آن است که پولس رسول نقل نموده است و وی در حدود سال ۵۲ میلادی به کلیسائی که در شهر قرینت تأسیس کرده بود چنین نوشته است: «الان ای برادران شما را از انجیلی که بشما بشارت دادم اعلام می‌نمایم، بشرطی که کلامی را که بشما بشارت دادم محکم نگه دارید... زیرا که... مسیح بر حسب کتب در راه گناهان ما مرد و اینکه مدفون شد و در روز سیم بر حسب کتب برخاست و اینکه به‌کیفا ظاهر شد و بعد از آن بآن دوازده و پس از آن بزبانه از پانصد برادر، یکبار ظاهر شد که بیشتر از ایشان تا امروز باقی هستند اما بعضی خوابیده‌اند از آن پس به یعقوب ظاهر شد و بعدبجمع رسولان و آخر همه بر من مثل طفل سقط شده ظاهر گردید... قیام مسیح حواریون رامعتقد ساخت که عیسی از مردگان برخاسته و عنقریب بار دیگر رجعت خواهد کرد سوار برابرها چنانکه درباره پسر انسان موعود گفته شده، که در آخرین روز در محضر عظیم الهی درباره یکایک امم و اقوام داوری خواهد فرمود. (ناس، ۱۳۵۴، ص ۴۰۷)

هم مسیحیان و هم یهودیان بر این عقیده‌اند که علی رغم کفر و عصیان پاره‌ای از انسانها در آینده‌روزی فرا خواهد رسید که حکومت اخلاقی خداوند بر سرتاسر زمین جاری می‌گردد، اصطلاح حکومت و سلطنت الهی اگر چه از مضمون عبارات حداقل در هفت جای آن کتاب استنباط می‌گردد، ولی هرگز در تورات دیده نمی‌شود، این اصطلاح همراه اصطلاح مشابه آن «سلطنت آسمانها» که در انجیل متی وجود دارد عبارتی است که در اناجیل چهارگانه به چشم می‌خورد. (هیوم، ۱۳۶۹، ص ۳۵۱)

فرازهایی از کتب مقدس مسیحیان

«پس هنگامیکه همه دور هم جمع بودند از او پرسیدند، خداوندا، آیا وقت آن رسیده است که بار دیگر سلطنت را به اسرائیل بازگردانی؟ عیسی پاسخ داد: «برای شما لزومی



عیسی مسیح و ظهور او از نظر روایات اسلامی

در روایات و احادیث اسلامی نیز ظهور عیسی مسیح همزمان با ظهور مهدی (عج) بیان گردیده «کسی که عیسی بن مریم (ع) در پشت سر او نماز می‌خواند از ماست» حضرت رسول (ص).

همچنین در روایات آمده که «عیسی (ع) در گردنه‌ای بنام «افیق» در سرزمین مقدس فرود می‌آید و وارد بیت المقدس می‌شود، در حالیکه مردم برای نماز صبح صف کشیده باشند، پس امام (حضرت مهدی (عج)) عقب می‌رود ولی عیسی (ع) او را جلو می‌اندازد و خود بر او اقتدا می‌کند پشت سرش طبق شریعت محمدی نماز می‌خواند و می‌فرماید شما اهل بیتی هستید که احدی نمی‌تواند بر شما پیشی گیرد. (کامل سلیمان، ۱۴۰۵، ص ۵۵۲)

کیفیت نزول عیسی (ع) از آسمان طوری صریح روشن بیان شده که از هر گونه توجیه و تأویل بی‌نیاز است و راه تأویل بر روشنفکرانها بسته شده است دیگر کسی نمی‌تواند او را مرده‌پنداشته و نزول او را به گونه‌ای دیگر توجیه کند بلکه آن چنانکه عقیده قطعی ما شیعیان است حضرت عیسی زنده است و در آسمان است و به هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) او نیز از آسمان نزول کرده به یاری حضرت بقیه‌الله برخواهد خاست و طبق احادیث دجال به دست او به هلاکت خواهد رسید، به طوریکه صعود او به آسمان با قدرت خدا و معجزه آسا بوده است نزول او نیز معجزه روشن دیگری خواهد بود و سپاه حق به یاری او نصرت بیشتری پیدا خواهد کرد و حجت بر اهل کتاب تمام خواهد شد. (طباره عقیف، بی تا)

به طور مسلم عیسی پیش از اقامت به این جهان فرود خواهد آمد پیرو هیچ آئینی از یهود و غیر آن در روی زمین نمی‌ماند جز اینکه پیش از وفاتش به او ایمان می‌آورد و او در پشت سر مهدی (عج) نماز می‌خواند.

(چاردهی، ۱۳۶۶، ص ۱۵۵)

ندارد که تاریخها و زمانهائی را که پدر در اختیار خود نگه داشته است بدانید...» ای مردان جلیلی چرا اینجا ایستاده‌اید و به آسمان نگاه می‌کنید؟ همین عیسی که پیش شما به آسمان بالا برده شد همانطوریکه بالا رفت و شما دیدید دوباره بهمین طریق باز خواهد گشت. (انجیل شریف، ۱۹۸۶)

در انجیل برنابا که یکی از اناجیل غیر رسمی کلیسا است و منسوب به قدیس یوسف برنابادر گذشته سال ۶۱ میلادی است اینطور آمده که: «مسیا یا مسیحی که در انتظار او هستند، یسوع یا عیسی نیست بلکه همان احمد قرآن یا محمد است که در دیگر اناجیل نارقلیط^(۱) «تسلی دهند» ذکر شده است و گوید که پیامبر خداست و حضرت آدم هنگامیکه از بهشت رانده شد این عبارت را بر سر در بهشت بدید ((لا اله الا الله، محمد رسول الله» (مشکور، ۱۳۵۳، ص ۱۷۱)

لازم به تذکر است که مسیحیان گویند این انجیل به توسط یک نفر مسلمان نوشته شده و این یوسف برنابا آن قدیس برنابای دوست پولیس و مرقس نیست. (انجیل برنابا ۱۳۴۶)

«همچنانکه برق از مشرق ساطع و تا به مغرب ظاهر می‌شود پسر انسان در آسمانها ظاهر خواهد... از آن روز و ساعت هیچکس اطلاع ندارد جز پدر من» (انجیل متی، آیه ۲۷)

«اما چون پسرانسان در جلال خود با جمیع ملائکه مقدس خویش آید، آنگاه بر کرسی جلال خود خواهد نشست و جمیع امتها در حضور او جمع می‌شوند و آنها را از همدیگر جدا می‌کند به قسمی که شبان میشها را از بزها جدا می‌کند.» (انجیل متی، آیه ۲ و ۳۱)

همچنین در انجیل یوحنا فصل ۲ آیات ۲۶-۲۹ و انجیل متی باب ۲۴ آیات ۲۳ تا ۴۲ و انجیل لوقا آیات ۵-۳۶ فرازهای دیگری در این زمینه موجود می‌باشد.



مهدی در اسلام

مهدی به فتح میم و کسر دال مصدر هدایت است (دهخدا، ۱۳۶۶) و به معنی راه یافته و هدایت شده می‌باشد و به همین معنی به بعضی از انبیاء و بزرگان بدون آنکه او را موعود منتظر پندارند لقب مهدی داده‌اند چنانکه جریر شاعر، حضرت ابراهیم را در شعر خود به این نام ملقب ساخته است:

ابوناسحاق یجمع بیننا اب کان مهدیاً نبیاً مطهراً

یعنی: پدر ما عربها، ابواسحاق، ابراهیم پیامبر است و او پدری است که ما را با یکدیگر فراهم می‌آورد و وی مهدی و پیغمبری پاکزاد بوده است.

این کلمه در حدیث پیغمبر به معنی مرد راه یافته آمده است، از علی (ع) روایت شده که از پیغمبر پرسیدند چه کسی پس از تو امیر شود؟... اگر علی را امیر کنید و من نمی‌بینم که شما چنین کاری انجام دهید، او را هادی و راهنما و مهدی و راه یافته، که شما را به راه راست خواهد برد، خواهید یافت. (مشکور، ۱۳۴۱، ص ۱۵۶)

مهدی در اصطلاح مسلمین همان شخصی است که در آخر الزمان ظهور خواهد کرد (دوانی، ۱۳۴۹)

چنانکه در حدیث آمده:

«یَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا بَعْدَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»

از پیامبر اکرم روایت شده «لَوْلَمْ يَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا يَوْمٌ لَبِثَ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَمَلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا» و همچنین از حضرت رسول نقل شده که «لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَبْعَثَ اللَّهُ فِيهِ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يُوَاطِي أَسْمَهُ اسْمِي وَ اسْمَ أَبِيهِ اسْمَ أَبِي» (حسینی شیرازی، ۱۳۴۹)

یعنی اگر تنها یکروز از عمر دنیا بماند خداوند آن روز را به درازا خواهد کشانید تا اینکه از اهل بیت من مردی برخیزد و اوست که زمین بیداد و ستم گرفته را پر از عدل و داد کند.

نظریه مهدویت خاص شیعیان نیست بلکه در کتب اهل سنت و جماعت مانند صحیح ترمذی و ابوداود و ابن‌ماجه

و مسند ابن حنبل و غیره اخباری که دلالت بر ظهور مهدی آخر الزمان دارد فراوان است.

هم اکنون بیش از ۵۰ جلد کتاب مستقل از علمای اهل تسنن پیرامون حضرت مهدی «عج» در دست داریم، نخستین کتابی که از طرف علمای اهل سنت در حق آنحضرت نگارش یافته کتاب «صاحب الزمان» است که آنرا محمد بن اسحاق بن ابراهیم کوفی نوشته است، اکنون مسأله مهدویت^(۱) بصورت یکی از ضروریات دین مقدس اسلام درآمده که منکر آن از آئین اسلام بیرون خواهد بود و آن مضمون حدیثی است که علمای اهل سنت از پیامبر (ص) روایت کرده‌اند.

«مَنْ كَذَّبَ بِالْمَهْدِيِّ فَقَدْ كَفَرَ»

(کامل سلیمان، ۱۴۰۵، ۱۵۷)

گروهی از اهل سنت به مضمون این حدیث فتوی داده‌اند، اما از نظر شیعه هیچ تردیدی نیست در اینکه هزاران حدیث صحیح از شخص رسول اکرم (ص) و دیگر پیشوایان معصوم (ع) در حق آن‌مهر تابان (عج) نقل شده و پیش از ولادت آن مصلح الهی در کتابها درج شده است، قدیمی‌ترین کتابی که هم اکنون در دست داریم و احادیث مهدی (عج) را درج کرده است کتاب «سقیفه» نوشته سلیم بن قیس است. (کامل سلیمان، ۱۴۰۵، ص ۱۵)

در کتاب روزگار رهایی از بخاری نقل شده که می‌گوید: «احادیث در مورد حضرت صاحب الزمان که از دیده‌ها غایب و در هر زمانی حاضر است بسیار فراوان است (دوانی، ۱۳۵۰) و کسانی که به امامت او معتقدند از هر نکوهش و سرزنشتی پیراسته‌اند که در راه حق راه پیموده‌اند و به شاهراه هدایت رسیده‌اند امامت و پیشوایی امت اسلامی به وسیله او پایان یافته است، او از روز وفات پدر بزرگوارش تا روز رستاخیز امام است، او مردمان را به شریعت خود که همان شریعت محمدی است دعوت می‌کند. (کامل سلیمان، ۱۴۰۵، ص ۱۰۳)

درباره مهدی و نسب او در میان فرق شیعه اختلاف است بعضی گویند که او فرزند عباس است، برخی گویند



فهرست منابع و مؤاخذ

- آشتیانی، جلال الدین: تحقیقی در دین مسیح، نشر نگارش، تهران، ۱۳۶۸
- انجیل شریف، ترجمه جدید فارسی شامل اناجیل اربعه. انتشارات انجمن مقدس ایران، چاپ چهارم، ۱۹۸۶
- انجیل لوقا، فصل ۱۲
- بغدادی، عبدالقاهر: الفرق بین الفرق در تاریخ مذاهب اسلام، ترجمه محمد جواد مشکور، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ دوم ۱۳۴۴
- بهشتی، محمد: ادیان و مهدویت، چاپ سوم، انتشارات امیر، تهران ۱۳۴۴
- پادانا: مهدی موعود چاپ ۱۳۴۹، چاپخانه کاویان
- ثابت افندی، محمد و ابراهیم ترکی خورشید و عبدالحمید یونس: دایره المعارف الاسلامیه تهران، شرکت انتشارات جهان، ۱۹۶۶
- چهاردهی، نورالدین: داعیان پیامبری و خدایی، چاپ اول ۱۳۶۶
- حسینی شیرازی، صادق موعودالقرآن، ترجمه مؤسسه امام المهدی تهران، ۱۳۶۰
- دوانی، علی: موعدی که جهان در انتظار اوست، انتشارات نورجهان، تهران ۱۳۴۳
- دوانی، علی: مهدی موعود (ترجمه ج ۱۳ بحارالانوار)، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۵۰
- دهخدا، علی اکبر: لغت نامه، انتشارات مجلس شورای اسلامی، تهران ۱۳۶۶
- رضازاده، مشفق، ترجمه اوپانیشاد، بنگاه ترجمه و نشرکتب، تهران، ۱۳۴۵
- سلب، نصری: لقاء المسیحیه والاسلام، انتشارات نورجهان، تهران ۱۳۴۳
- سلیمان، کامل: روزگار رهایی، ترجمه علی اکبر مهدی پور، چاپ اول، ۱۴۰۵ هج.

علوی و غیرفاطمی و گروهی او را حسنی و عده‌ای حسینی خوانده‌اند... شیعه امامیه معتقد است که بنابر اصل قدرت خداوند و لطف او مهدی علیه السلام پس از بروز علائم خاص ظهور خواهد فرمود درحالی‌که سن آن حضرت بین ۳۰ و ۴۰ سال به نظر خواهد رسید و این امر عجیب را جز به قدرت خداوند و معجزات آنحضرت نسبت نتوان داد، محل ظهور آن حضرت را در مکه در کنار خانه خدا نوشته‌اند و در بین رکن و مقام مردم با آن حضرت بیعت می‌کنند و سیصد و سیزده تن از مؤمنان درگذشته، زنده می‌شوند و در رکاب آن حضرت جنگ خواهند کرد. (مشکور، ۱۳۴۱، ۱۳۵۹)

نتیجه مبحث

با توجه به آنچه در مورد اعتقاد به منجی در میان اقوام و ملل گوناگون در طول تاریخ و همه مناطق جغرافیایی زمین بیان شد و از آنجا که چنین مسایلی که همه زمانی و همه مکانی هستند مثل خداجویی، ریشه در فطرت انسان دارند و گاهی بر اساس آنچه قرآن کریم اشاره می‌فرماید دچار غفلت و فراموشی می‌شود، مسئله مهدودیت نیز به دلیل فراگیر بودنش در طول زمان و مکان ریشه در فطرت پاک انسانی دارد فطرتی که با تأکید بر آیه فطرت ثابت و پایدار است و هرگز تغییر و تحولی در آن رخ نمی‌دهد.

اینکه مشاهده می‌گردد اعتقاد به یک منجی در میان قومی گاهی پررنگتر و گاهی کم رنگتر است وابسته به وضعیت آن قوم و مقتضیات زمانی دارد. هر زمان که بشر بیشتر مورد ظلم و ستم واقع شده و امید او از یک نجات بخش عادی از قوم و تبار خود قطع شده است منجی فطری او تجلی بیشتری یافته است و پیوسته از خدای خویش او را طلب نموده است. ویژگیهای منجی در میان اقوام و ملل گوناگون و اعتقادات آنها در این مورد جای هیچ تردیدی را باقی نمی‌گذارد و به اثبات می‌رساند که همانا او یکی بیش نیست و همانطور که خداوند وعده داده است و وعده او حق است، خواهد آمد.



شهرستانی، عبدالکریم: الملل و النحل، ترجمه و تصحیح
رضا جلالی نائینی، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران،
۱۳۲۱

طیاره غفیف، عبدالفتاح: اليهود فی القرآن، ترجمه مهدی
آیت الهی بی تا.

فہیم کرمانی، مرتضی، ترجمه انجیل برنابا، ۱۳۴۶
کتاب المقدس، مترجم به فارسی و لیم گلن قسیس، ۱۸۷۸
گرن، ویدن: مانی و تعلیمات او، ترجمه نزهت صفای
اصفہانی، بی نا، تهران، ۱۳۵۳

مشکور، محمد جواد: ترجمه فرق الشیعہ نوبختی، چاپ
۱۳۵۳

دکتر مشکور، محمد جواد: خلاصہ الادیان در تاریخ
دینہای بزرگ، چاپ اول، ۱۳۵۹

مشکور، محمد جواد: ہفتادوسہ ملت، ناشر ناصر خسرو،
۱۳۴۱

میہن پو، محمد: بودا چه می گوید، برہما کیست. بی نا،
تهران ۱۳۴۵.

ناس، جان: تاریخ جامع ادیان، ترجمہ علی اصغر حکمت،
چاپ سوم، ۱۳۵۴.

النجیری، محمود، آرمگدون، ترجمہ رضا عباسپور، نشر
ہلال، ۱۳۸۵

نفیسی، سعید: سرچشمہ تصوف در ایران، چاپ ہفتم،
۱۳۶۸

نفیسی، سعید: مسیحیت در ایران تا صدر اسلام، انتشارات
نورجہان، تهران، ۱۳۴۳

ہیوم، رابرت: ادیان زندہ جہان، ترجمہ دکتر عبدالکریم
گواہی، چاپ اول، ۱۳۶۹.

یاحقی، دکتر محمد جعفر: فرہنگ اساطیر و اشارات
داستانی در ادبیات فارسی، ۱۳۶۹.